

لحظه‌های حضور

نگاهی به کتاب «جبهه جنوب»
حسین احمدی
نویسنده و شاعر

نام کتاب: جبهه جنوب (یادداشت‌های شهید حبیب‌غنی پور)
نویسنده: حبیب‌غنی پور
ناشر: تهران، سوره مهر
چاپ چهارم: ۱۳۹۲
قیمت: ۹۹۰۰ تومان

«جبهه جنوب» لحظه‌های حضور شهید حبیب غنی پور، معلم، نویسنده و رزمنده بسیجی را در جبهه‌های جنوب بازگو می‌کند. جبهه جنوب سرشار از صمیمیت و صداقت است. کتاب گزارشی روزانه است که با زیباترین بیان لحظه‌های عاشقانه‌راوی را حکایت می‌کند. جبهه جنوب خاطرات ادیبانه یک نویسنده است که آهنگ نبرد کرد تا لحظه پرواز را چشید. حبیب، از هم‌زمان خود یاد می‌کند. حبیب به هر شهر و دیاری که پا می‌گذارد آنجا را به خوبی به خواننده خاطر اتش نشان می‌دهد.

اندیمشک - دزفول: این دو شهر همان طور که اسم‌هایشان در کنار هم است، جایشان هم کنار هم است. این دو شهر را یک اتوبان به هم وصل کرده است. (ص: ۲۲)

گاهی پنجره ذهنش توصیف‌های دلنشین از دیدنی‌هایش را به ما نشان می‌دهد. توصیف‌هایی که گاهی رنگ اندوه دارد: در کنار ویرانه‌های شهر و در کنار خانه‌هایی که روزی به مردم شهر آسایش می‌دادند و حال به مخروبه‌ای بیش نمی‌مانند، نشستام. در شهر هیچ کس نیست. فقط صدای زوزه باد است و تلق تلق آهن پاره‌های مخروبه‌ها و صدای کرکره آویزانی که با وزش باد، سکوت همه جاگیر خرمشهر را می‌آزارد و... (ص: ۱۹) جنگ اندوه‌بار است. جنگ با انسان به دنیا می‌آید و لحظه‌ای بشر را رها نمی‌کند؛ یعنی از گیر و دار هابیل و قابیل، که اولین قربانی خورش بر خاک ریخت! انگار یکی از رازهای تکامل جامعه بشری در همین گیر و دارها نهفته است. ایران سرزمینی است که همواره طعم جنگ را چشیده است. صدای شیبه اسب‌های اسکندر مقدونی هنوز به گوش می‌رسید که زنگ هجوم اعراب به صدا درآمد. هنوز رنج‌هایمان ناتمام بود که مغولان پهلویمان را دریدند و... ما ماندیم و ماندیم.

شهید مجید شهیم، مجید، نوجوانی تازه قد کشیده که سیمای معصومش برای اولین بار شاهد نبرد رزمندگان بود به لقای حق پیوست. (ص: ۲۲۸). چه سرنوشت عجیبی داشت! وقتی که در اردوگاه کرخه بودیم احساس کردم که چهره این نوجوان خوب و متین را غمی ناشناخته گرفته است. حبیب غنی پور آدم‌ها را از پنجره زلال دلش می‌بیند و احساس خودش را نسبت به آن‌ها نشان می‌دهد.

ظهر به دهلران رسیدیم. دهلران شهری نسبتاً کوچک است که در مقابلش رشته کوه‌های بلند اما کم‌عرض ایستاده است. در پای این کوهستان چشمه آب گرم معدنی است. (ص: ۲۰۸) امروز صبح وقتی که تازه آفتاب می‌خواست از پشت کوه‌های زیبا و صخره‌ای دهلران نور گرم و دلنشین‌اش را بر این شهر زیبا اما مورد تجاوز دشمن فرار گرفته، بتاباند صحبتی گرم با برادر «تک‌فلاح» دانشجوی سال چهارم رشته شیمی داشتیم. (ص: ۲۳۵) کتاب جبهه جنوب کتابی خواندنی است نویسنده با زبانی ساده و روان و پرداختی ادبی خاطرات روزهای جنگ را روایت می‌کند. حبیب گاهی به جزئیات دقیق خاطرات می‌پردازد و گاهی هم از آن‌ها عبور می‌کند. بهتر است با حبیب همسفر شویم و به جبهه جنوب سفر کنیم و با دوربین او تازگی‌هایی از روزهای ایثار و شهادت را مشاهده کنیم.

گفتنی است به منظور گرامیداشت یاد و خاطره این شهید، هر ساله در اسفندماه (هم‌زمان با شهادت وی) در مسجد جوادالائمه (ع) در جنوب غربی تهران سال‌هاست «جشنواره کتاب سال شهید حبیب غنی پور»، برگزار می‌شود.

